

دغدغه معاش، نگرانی معاد

<"xml encoding="UTF-8?">

وای به حال و روزگار قومی که در میان آنها حساسیت و احساس مسئولیت درباره رعایا و زیردستان و به اصطلاح جدید «شهروندان» روی به ضعف بگذارد تا جایی که درد و رنج آنان و فقر و فاقه بیچارگان، کم ترین واکنشی را در نهاد آنها برنیزد و خوابشان را برنیاشوبد؛ با تکاندن سری و اظهار افسوسی همه آنچه را که درماندگان از آن می نالند بشنوند و از کنار دیوارهای فرو ریخته، شکمهای گرسنه و دست های درمانده بگذرند و به راه خویش روند. هیئات! که در میان همه سیره و سنت بزرگان دین از میان اولیا و انبیا هیچ هنری و هیچ عبادتی به رتبه و جایگاه فریادری خلق روزگار و برطرف کردن پریشان حالی درماندگان نیست؛ چنان که حضرت ختمی مرتبت (ص) کسی را که به فریاد دادخواهی درمانده ای بی اعتنایی می کند از جرگه مسلمین خارج می داند. در سیره حاکمان عادل و اولیای صالح از خیل اهل بیت، علیهم السلام، است که جز نان و خورش خشن برنگزیدند و جز رسیدگی به حال رعایا و اصلاح و انتظام رفتار و مناسبت آنان برای خود طریقی انتخاب نکردند؛ چنان که امیرالمؤمنین علی، علیه السلام، همواره چنین بود و حضرت صاحب الزمان، علیه السلام، نیز جز این نخواهد کرد.

«دغدغه معاش» مجال «نگرانی معاد» را از بین می برد. مردم در گریو دار نان و خورش و پوشش چنان سرمایه های وجودی خویش را از دست می دهند که از آنان جز سنگی سرد و نامی سنگین بر صفحه قبر نمی ماند تا چه رسد به عمل صالح، عبودیت، معرفت و انتظار فرج بزرگ و ظهور حضرت صاحب الزمان (ع). مگر جز این است که صلاح و فساد رعایا در کف حاکمان است؟! مگر نه این که صلاح معاش و اصلاح معاد آنان در گرو عدالت امیران و مراقبت آنان از حال و روز مردم است؟! بویژه در عصری که تمامی قوا و حتی آب و برق و خوراک و تعلیم و تربیت و بازرگانی و سایر امور جملگی در کف کلیدداران بیت المال است و هیچ تولد و مرگ و سفر و حضری از نگاه صاحبان دفتر و دیوان دور نمی ماند.

دمدمه های شیطان لعین از یک سو بندگان خدا را در معرض هلاکت می افکند و دم تیز و تند ملک الموت از دیگر سو خیل رعایا را به سوی مرگ ناگزیر می خواند، این همه را در کنار توطئه ها و نقشه های پلید اولاد بنی اسرائیل و عمله های تا دندان مسلح آنان از میان جهان خواران قرار دهید که همواره مسلمین را درگیر با خود، مشغول با مشکلات خرد و حقیر و غافل از همه آنچه در پیرامون آنان می گذرد می خواهند. به راستی در چنین مهلکه ای چه باید کرد؟

چگونه می توان درس هوشیاری، آمادگی، انتظار و مجاهده اخلاقی را در گوش رعایا خواند؟ چگونه می شود آنان را مهیای استقبال از سالهای سخت عصر ظهور نمود و در آستانه خانه ها چشم به راه امام مبین حق نگه داشت؟ فهرست بزرگ تغییر ارقام و اعداد و نرخ معمولی ترین و ساده ترین نیازهای حیات مثل آب و نان و سرپناه و جامه درآغاز هر سال که جملگی بر حجم دغدغه های بندگان خدا می افزاید جایی برای نگرانی معاد نمی گذارد. شما را چه می شود؟

هیچ اندیشیده اید که احساس ناامنی و دغدغه معاش چگونه اخلاق را در گرداب ابتذال نابود می سازد؟!

هیچ به تأثیر وحشتناک و اضطراب حاصل از بی تعادلی و فردایی مبهم و آنچه بر سر نسلی می آورد فکر کرده اید؟ نسلی که خصم از همه سو او را احاطه کرده است؟!

هیچ به لغزش همه پایه های اعتماد به حاکمان و تأثیر دهشتناک آن در رعایا فکر کرده اید؟! بی گمان این صاحبان امضا و مناصب اند که می بایست دیر یا زود جوابگوی همه آنچه که در همه لحظات و آنات بر تک تک مردم می گذرد باشند، چنان که در پیشگاه حاکم و دادرس بزرگ، حساب پولی سیاه و دانه ای خرما را می بایست پس داد تا چه رسد به میلیاردها روز و ساعت عمر و میلیاردها میلیارد ثروت و مال که ضرورتاً در دخل و خرج آنها وارد ساختن ذرة المثقالی هوی و هوس و یا تمایلات قبیله ای و حزبی جایز نیست. هیئات! در نیافتیم که در قاموس حکمرانی علی علیه السلام، از حاکمان درباره بقاع و بهائم (چهارپایان) نیز سؤال می شود (یستلونکم عن البقاع والبهائم).

در چنین معرکه ای وای به حال وکیلی و وزیری که عقبای خویش را مصروف دنیای دوستان گرمابه و گلستان کرده باشد.

نسلی در انتظار با صبری بزرگ آمد و رفت و نسلی دیگر نیز روی به کهولت گذارده، اما همچنان صابر و ناظر است. این سکوت در پیشگاه امام عصر، علیه السلام و دادگاه عدل الهی فریادی خواهد شد که هیچ کوهی آن را تاب نخواهد آورد.

چگونه است که گاه بی ملاحظه این همه و با داشتن قدرت، ثروت، اختیار و مردمی تابع و شکبیا از تنظیم مناسبات اجتماعی، اقتصادی، آموزشی مردم چنان در می مانیم که تغییر و تزلزل در تصمیمات، مقررات، آئین نامه ها و عزل و نصبها روزی همه هفته ها و ماههای سالمان شده است؟ چگونه است که همه ساله، درست در آخرین روزهایی که میلیونها نفر از خانواده بزرگ این وطن اسلامی با هزاران رنج و سختی خود را با تغییرات ناگزیر و البته یک جانبه اقتصادی و معیشتی سال پیش تطبیق داده اند به ناگاه دیگرار با تغییر نرخ همه خدمات و کالاهای عمومی آنان را با شرایطی متزلزل و بحرانی و کمرشکن روبرو می سازید؟ در حالی که هیچ مرجعی برای جبران کاستیها و دست یابی به تعادل نمی شناسند و دغدغه فرا رسیدن آخرین ماه سال و وارد آمدن شوک و ضربه ای دیگر پشت آنان را می لرزاند. چه، دیگر بار خود را ناگزیر به رویارویی با تصمیماتی یکسویه خواهند یافت.

«موعود» در هزاران صفحه از نشریه ای که جملگی متعلق به ساحت مقدس امام عصر، علیه السلام، است از همه آنچه که کیان مسلمین را به خطر می اندازد و آنان را تهدید می کند سخن گفته و با ذکر مستندات، قریب الوقوع بودن بحرانهای بزرگ را که از فضایی خارج از جغرافیای این سرزمین وارد می شود هشدار داده و از ضرورت ایجاد آمادگی بزرگ «تربیت نسل منتظر و تأسیس شهر منتظران» سخن به میان آورده است. این همه می تواند در آینده ای نه چندان دور شیعیان والامقام را درگیر با حوادث سخت کند. جا دارد با توجه به بیانات مقام رهبری که سال 83 را سال «پاسخ گویی» مسئولان به مردم اعلام کرده اند بررسی و اصلاح موارد زیر در دستور کار مدیران کشور وارد شود.

مطالعه همه جانبه مناسبات مردم (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) و کشف همه مواردی که قانون درباره آن موارد سکوت اختیار کرده و یا به اجمال از کنار آنها گذشته است. تدوین سریع و هوشمندانه قوانین برای همه موارد مکشوفه.

تصویب آئین نامه های اجرایی و سامان دهی دستگاه های اجرایی توسط مدیران لایق و از همه مهم تر افزایش

توان و کارایی دستگاه های نظارتی و بازرسی.

اصلاح جدی همه اموری که دستگاه قضایی را از ظاهر ساختن نقش و توان کامل در استیفای حقوق فردی و اجتماعی بازمی دارد.

این همه در زمره معضلات بر زمین مانده است که ناگزیر می بایست اصلاح و بازبینی آنها در دستور کار نظام اسلامی وارد شود. تأذیب خاطیان و مسدود ساختن راه انتخاب و به کارگیری مدیران ناتوان و فاقد شایستگی و توانایی و حراست مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور از تغییرات بی سبب فصلی می تواند زمینه احیاء حسن ظن و اعتماد عمومی را فراهم آورد. والسلام